خبر

بازیگر «پدرخوانده» درگذشت

ویگودا بازیگری که بیشتر برای بازی نقش سالی تسیو در «پدرخوانده» شناخته می‌شد، سه‌شنبه در ۹۴ سالگی درگذشت.دختر ویگودا خبر درگذشت این بازیگر را تائید کرد و گفت که او در منزل شخصی خود در نیوجرسی دارفانی را وداع گفته است.ویگودا با چهره خاصی که داشت سال ۱۹۷۲ با بازی در فیلم «پدرخوانده» به کارگردانی فرانسیس فوردکاپولا به شهرت رسید. او در این فیلم نقش دوست قدیمی ویتو کورلئونه (مارلون براندو) سالی تسیو را بازی می کرد. موفقیت این فیلم ویگودا را به فیلمسازان معرفی کرد تا پس از آن در نقش‌های بسیاری ظاهر شود. اما در نهایت معروف‌ترین نقش او در سریال «بارنی میلر» رقم خورد. او در این سریال نقش کاراگاه فیل فیش را بازی می کرد. او برای این نقش سه سال پیاپی نامزد جایزه امی شد.البته این نخستین باری نیست که خبر درگذشت ویگودا در رسانه‌ها منتشر می‌شود. نخستین بار ۳۴ سال پیش از این مجله پیپل شایعه درگذشت او را منتشر کرده بود. این بازیگر نیز در واکنش عکسی از خودش درون یک تابوت منتشر کرد در حالیکه یک نسخه از مجله پیپل را در دست داشت. این عکس در نشریه ورایتی منتشر شد.

زمستان شیراز با صدای گرم رضا یزدانی و بهنام صفوی

تالار حافظ شیراز؛ دو روز در فصل زمستان، میزبان کنسرت‌های رضا یزدانی و بهنام صفوی می‌شود.حسین عبدالهی با اعلام خبر برگزاری کنسرت‌های ویژه زمستان رضا یزدانی و بهنام صفوی در شیراز، گفت: این دو خواننده مردمی به ترتیب ۱۲ و ۱۳ بهمن‌ماه جاری طی دو روز در تالار حافظ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، برای شیرازی‌ها می‌خوانند.مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری ترانه گستر ایلیا که میزبان و تهیه‌کننده این دو کنسرت موسیقی در شیراز است با تاکید براینکه برنامه یادشده در دو نوبت و ساعت‌های ۱۸ و ۲۰ برگزار میشود تصریح کرد: این اجرا با مجوز اداره کل فرهنگ و ارشاد فارس برگزار می‌شود و بخش از قطعات آلبوم‌های متنوع روز این هنرمندان موسیقی پاپ کشور بر روی صحنه اجرا خواهد شد.

جوزف فاینس نقش مایکل جکسون را بازی می کند

جوزف فاینس در فیلم تلویزیونی بریتانیایی «الیزابت، مایکل و مارلون» نقش مایکل جکسون را بازی می‌کند. برایان کاکس در این فیلم به نقش مارلون براندو و استاکارد چانینگ به نقش الیزابت تیلور ظاهر می‌شوند. «الیزابت، مایکل و مارلون» بر مبنای گزارشی که اولین بار در مجله ونیتی فیر منتشر شد، ساخته می‌شود. یکی از کارمندان سابق جکسون مدعی شد خواننده آمریکایی، کمی پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر از براندو و تیلور بازیگران افسانه‌ای دعوت کرده بود که اجرای او در نیویورک را ببینند، اما بعد از حمله تروریستی به برج‌های تجارت جهانی، این سه نفر یک ماشین کرایه کردند و کوشیدند خودشان به کالیفرنیا برگردند. فاینس بیش از همه برای بازی در فیلم برنده اسکار «شکسپیر عاشق» شهرت دارد. «الیزابت» «دشمن پشت دروازه»، «تاجر ونیزی» و «هرکول» با بازی دواین جانسن از دیگر فیلم‌های سینمایی اوست. این بازیگر ۴۵ ساله بریتانیایی در سریال‌های «فلش فوروارد» و یکی از فصل‌های سریال «داستان ترسناک آمریکایی» نیز بازی کرده است.مایکل جکسون با ترانه‌های موفقی چون «تریلر» که تاکنون بیش از ۳۰ میلیون نسخه فروش داشته است، یکی از محبوب‌ترین موزیسین‌های قرن بیستم بود. او در سال‌های پایانی عمر به دفعات با اتهامات کودک‌آزاری روبرو بود، اما هیچ‌گاه محکوم نشد. جکسن در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹ در ۵۰ سالگی درگذشت. «الیزابت، مایکل و مارلون» را بن پالمر کارگردانی می‌کند. فیلمنامه را نیل فورسایت نوشته است. شرکت اسکای آرت تهیه‌کننده این پروژه است.

انتقاد شدید هنرمندان از حمله گروه های خودسر به فاطمه معتمدآریا

دلواپسان شهر «سهراب» آب را گل کردند

همدلی– سروده بود«آب را گل نکنید» و این بیت اگرچه از سهراب، شاعر پیشرو بود، اما به زودی در میان مردم کوچه و بازار جای خود را باز کرد و در ردیف ضرب المثل هایی قرار گرفت که مردمان ایران هر وقت می خواستند به کسی بگویند «آرامش را بر هم نزن» یا «فضا را ملتهب نکن» به کار می بردند.

سهراب سال هاست که در ذهن و زبان مردم ایران با این بیت شناخته می شود، اما برخی که گویی تنها یک راه را برای مطرح شدن می شناسند، عکس آن را عمل کردند تا نشان دهند برایشان فرقی نمی کند که چه عملی انجام می دهند و چه الفاظی را بر زبان می آوردند، چرا که برای آنان «هدف وسیله را توجیه می کند». فعلا مهم این است که هر چه دولت و مردم حامی آن می پسندند، نباید رخ دهد.

فاطمه معتمدآریا، بازیگر سینما و کاوه ابراهیم پور، کارگردان فیلم «یحیی سکوت نکرد» - که چهارم بهمن ماه برای نمایش فیلم به شهر کاشان رفته بودند- هنگام ورود به سالن سینما با اعتراض عده‌ای از مخالفان به حضور آنها در این شهر مواجه شدند. کاوه ابراهیم پور، کارگردان فیلم با اشاره به اینکه معترضان خواستار خروج او و خانم معتمدآریا از شهر بودند، گفت: « در آغازهنگامی که می‌خواستیم وارد سالن شویم جمعیتی نزدیک به ۵۰ الی ۶۰ نفر در جلوی در سینما تجمع کرده بودند و با عصبانیت تمام علیه فیلم و خانم معتمدآریا شعار می‌دادند. به همین دلیل ما مجبور شدیم از در پشتی سالن سینما وارد سینما شویم.» به گفته ابراهیم پور زمانی که عوامل فیلم قصد ورود به سینما را داشتند، این افراد به آنها حمله کرده و از الفاظ نادرست استفاده کردند، اما با دخالت نیروی انتظامی، جلسه نمایش و نقد و بررسی فیلم برگزار شد. این موضوع سبب شد تا هنرمندان و بخصوص بزرگان سینمای ایران زبان به انتقاد بگشایند.

مشایخی: هنرمندان کلید درهای بسته اند

جمشید مشایخی رئیس هیئت مدیره این انجمن صنفی در گفت‌وگو با خبرآنلاین، این اتفاق را رفتاری قبیح دانست و آن را به شدت محکوم کرد. او به خبر آنلاین گفت: هنرمندان دارای رسالتی هستند. آن‌ها کلید درهای بسته هستند و امثال این برخوردها با این افراد دور از انتظار و نادرست است. خانم معتمدآریا هنرپیشه‌ای جهانی است و همان‌طور که می‌دانید در سطح دنیا با احترام زیادی با او برخورد می‌شود. ما انتظار رفتارهای به این شکل را نداریم و می‌خواهیم در داخل کشور نیز با این هنرمندان با احترام برخورد شود.»

پرستویی: با دزدان سرمایه های مملکت چنین نکردید

پرویز پرستویی هم در اینستاگرامش نوشت:حتما در دنیای مجازی و رسانه ها شنیدید که چه توهینی به بازیگر ارزنده وهمکار خوب من در کاشان ،شهر سهراب سپهری شده .فقط میتونم بگم برای اون دسته از هموطنانی که مرتکب چنین عمل زشت وپست شده اند متاسفم چرا که معتمد آریا دشمن نیست بلکه یکی از هنرمندان خوب کشورمان است. چه خوب است که دوغ را از دوشاب تشخیص دهیم . این برخورد شایسته یک هنرمند نیست،یادمان باشد با کسانی که سرمایه های مملکت را غارت کردند چنین برخوردی نکردیم.

معتمدآریا آدم خطرناکی نیست خطر جای دیگری است

مهناز افشار با انتشار تصویری از معتمدآریا در اکانت توییتر خود نوشت: «مگر می‌شود «گیلانه» ما را، «روسری آبی» ما را، فاطمه معتمدآریای ما را دوست نداشت؟» منصور ضابطیان هم با نقل خاطره از فاطمه معتمدآریا نوشت: «یک روز بهاری درچابهار،برای نقد فیلم "گیلانه"با فاطمه معتمدآریا به دانشگاه چابهار رفته ایم....جوانک سیه چرده ای راننده ماست که شهر را به ما نشان دهد.شرم و مهربانی اهل جنوب را همراه هم دارد...طرف های ظهر که می شود مرتب بی قرار است که حرفی بزند...این بی قراری را می توانم ازنگاه های زیرچشمی اش به معتمدآریا بفهمم... آخرسر توی راه بازار دل به دریا می زند و خطاب به او می گوید:"خانوم،من تازه زن گرفته ام.زنم عاشق شماست.بعدا میشه من یه عکس با گوشیم از شما بگیرم براش؟" صدای تپش قلبش را می توانم بشنوم که منتظر جواب است.معتمدآریا لبخندهمیشگی اش را پهن تر می کند و جیغی می کشد و مبارکباد می گوید و بلافاصله می پرسد:"اسم زنت چیه؟"و پسرک جواب می دهد.

«خونه تون بندره؟»

«بله ،خیلی دور نیست.»

«پس بریم خونه ت با خانومت عکس بگیرم»

پسرک تا سرحد مرگ هیجان زده می شود. انتظار این اندازه بی ریایی و لبخند را ندارد.بازار را رها می کنیم و می رویم به خانه تازه عروس.در حیاط می نشینیم و چای میخوریم و معتمدآریا مثل یک مادر با آن دو رفتار می کند و آن ها مثل پروانه دورش می چرخند.معتمدآریا شماره تلفن موبایل و خانه اش را به آنها می دهد و قول می گیرد که اگر تهران آمدند به خانه اش بیایند.نمی دانم هیچ وقت آمدند یا نه اما اگر آمده باشند و با آغوش باز پذیرایی شده باشند هم برایم چندان عجیب نیست. آن روزها چندان معروف نبودم اما همان روز یادگرفتم اگر روزی هم معروف شدم رابطه ام را تحت هیچ شرایطی با مردمی که دوستم دارند-و دوستم ندارند- قطع نکنم. من کاری به نظریات سیاسی معتمدآریا ندارم چون نه از سیاست سردر می آورم ونه به آن علاقه دارم،شاید با بعضی رفتارهای شخصی اش هم موافق نباشم اما همینقدر می دانم کسی که چنین چیزی را می تواند به دیگران بیاموزد،نمی تواند آدم بدی باشد،نمی تواند آدم خطرناکی باشد.خطر جای دیگریست.

توهین به معتمد آریا توهین به تمام زنان ایران است

شبنم مقدمی، بازیگر هم با انتشار عکسی از فاطمه معتمدآریا نوشت: از ستاره بودنِ شما که چیزی کم نمی شود...اگر عده ای چشم ببندند...منکر باشند،ندانند...یا خود را به ندانستن بزنند...

محسن تنابنده در صفحه شخصی‌اش با انتشار عکسی از فاطمه معتمدآریا نوشت:توهین به شما بانو جان توهین به همه اهالی سینماست،انسانم آرزوست.

صابر ابر هم با انتشار عکسی از فاطمه معتمدآریا در اینستاگرام نوشت : از شرف مدح تودر کام من گرد عبیر است و لعابم گلاب . ناصر خسرو

به چه چیز اعتراض کردید؟

محسن امیریوسفی کارگردان سینمای ایران هم در این باره نوشت: خبررا که شنیدم شوکه شدم،اعتراض به حضور فاطمه معتمدآریا در کاشان! این بود رسم مهمان نوازی؟! شهری با فرهنگ چندهزارساله، با پشتوانه غنی از حضور بزرگان مذهب تشیع، با معماری سحرانگیز، با سهراب سپهری، دکتر آریانپور، کمال الملک، ابوالحسن صبا و با ده ها افتخار دیگر.

نمیدانم آن افراد محترمی! که آن روز پشت در سینما تجمع کرده بودند میدانستند اعتراض شان به چه کسی و چه چیزی است؟! فیلمی بنام «یحیی سکوت کرد» با مجوز قانونی ساخته شده و دراکرانهای محدودی که دارد با هزارامید و آرزو، جشن شروع اکرانش در کاشان است و کارگردان جوان به همراه بازیگر فیلم، چند ساعتی مهمان آن شهر میشوند. این آدم‌ها از کجا بودند؟ کدامین دیار؟ درسه دهه گذشته چند بارمیهمان بازی های ماندگارش بودند؟ و با بازیهای درخشان او در سینما و تلویزیون خندیدند و گریستند. چه کسی بهتر از سیمین بانوی سینمای ایران توانسته مصائب زنی رنج دیده در «روسری آبی» مادر یک جانباز در «گیلانه» و معصومیتی طنازانه را در «هنرپیشه» و فیلمهای کمدی اش برای‌مان تصویر کند که حالا به حضورش در یک شهر این چنین اعتراض می‌شود؟

شنیدم که جمعه را روز عزای عمومی اعلام کردند. موافقم، با این توضیح که جمعه باید روز عزای عمومی "میهمان نوازی" ما ایرانیان باشد. امیدوارم نهادهای مرتبط و مسئول نسبت به این اتفاق واکنشی در خور نشان دهند تا چنین اتفاق تلخی به سنتی همیشگی برای هنرمندان‌مان تبدیل نشود. امیدوارم حاصل این اتفاق و توهین به سینماگر برجسته ای همچون فاطمه معتمد آریا سکوت نباشد که در آن صورت فقط و فقط باید بگویم، شرممان باد!

واکنش معتمدآریا به این اتفاق

فاطمه معتمدآریا خود در این باره در گفت و گویی با روزنامه شرق بیان داشت: ببینید من با اینکه کسی با کار من و حرفه‌ام و حتی خود من مخالف باشد مشکلی ندارم ولی رفتارهای تهاجمی، توهین، بی‌احترامی، دروغ، تهمت و بی‌قانونی را نمی‌پذیرم و این اتفاقی است که در آنجا افتاد و من علاقه‌ای هم به بیان و شرح جزئیات اتفاقات ناخوشایند ضدفرهنگی ندارم. فقط امیدوارم برگزاری این‌گونه جلسات هنروتجربه برای سینماگران پربارتر و مفیدتر تداوم داشته باشد. البته آرزو می‌کنم بعضی از تجربیات ناخوشایند هم دیگر تکرار نشود.

اصغر نوری مترجم زبان وادبیات فرانسه مطرح کرد:

ابوالحسن نجفی یک مترجم تمارعیار بود

دو روز گذشته مراسم تشییع جنازه مترجم و پژوهشگر نامی کشور؛ ابوالحسن نجفی بود. نجفی را می‌توان یکی از مهمترین مترجمان صد سال گذشته دانست؛ مترجمی که در دوره‌ای از تاریخ معاصر دانش‌اش باعث شکفتگی نسلی از نویسندگان مستعد بود. نجفی، شخصیتی جامع الاطراف داشت و یکی از این ابعاد ترجمه‌های او از ادبیات فرانسه بود؛ ترجمه‌هایی که از او به یادگار مانده است، همگی از آثار مهم قرن بیستم هستند. اصغر نوری از مترجمان ادبی و از زبان فرانسه است که به زعم خودش از اساتیدی مثل نجفی تاثیر فراوان گرفته است. در ادامه گفت و گوی این مترجم را با هنرآنلاین می خوانید: او معتقد است: ابوالحسن نجفی یک مترجم تمار عیار بود. همه انتظارهایی که از یک مترجم می‌توان داشت با خواندن آثار به جا مانده از او برآورده می‌شود: انتخاب اثری با ارزش‌های ادبی که حرفی برای جامعه ما هم دارد، درک تمام و کمال متن اصلی و مهمتر از همه برگردان اثر با زبانی پالوده و درست. ترجمه های نجفی، جدا از معرفی نویسنده‌های بزرگ و آثار ارزشمند، نمونه‌های بی نظیری هستند از زبان فارسی در لحن ها و نثرهای مختلف آن که با آثار بزرگترین نویسنده های ایرانی برابری می کنند. نوری گفت: استاد نجفی یکی از معدود مترجمان نسل خود بود که می دانست انتقال درست معنا کمترین کار یک مترجم است نه تنها کار مترجم. او به رعایت سبک نوشتاری نویسنده اعتقاد داشت و موقع ترجمه هر اثر، لحنی مناسب در زبان فارسی انتخاب می کرد تا سبک نویسنده تا حد امکان منتقل شود. با بررسی ترجمه نجفی از آثاری مثل "خانواده تیبو"، "ضد خاطرات"، "شازده کوچولو" و... با متن اصلی، متوجه این نکته می شویم که او به خوبی می‌داند کدام بخش از سبک نویسنده مربوط به زبان اصلی است و منتقل نمی‌شود و کدام بخش را می شود در زبان فارسی بازآفرینی کرد.اصغر نوری ادامه داد: نجفی با تسلط بی نظیری که به زبان فارسی داشت، برای بخش های غیرقابل انتقال اثر هم مابه ازاهای خوبی در زبان فارسی پیدا می‌کرد و اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌های قدیم و جدید فارسی را جایگزین نمونه‌های فرانسوی آن می‌کرد. بررسی ترجمه‌های نجفی با متن اصلی، اولین درس بزرگش این است که مترجم قبل از هر چیز باید تسلط خوبی روی زبان فارسی داشته باشد و رد نثرها و لحن های مختلف این زبان را در متون قدیم و جدید دنبال کرده باشد. مترجم آثاری از پاتریک مودیانو گفت: آشنایی من با استاد ابوالحسن نجفی از ابتدای دهه ۷۰ با خواندن ترجمه های او شروع شد که طیف گسترده‌ای از ژانرهای ادبی را شامل می‌شد: رمان، داستان، نمایشنامه و متون نظری. نجفی برای من مترجمی فرهنگ ساز بود که در انتخاب آثار به نیازهای زمان خود توجه می کرد و از این رو بود که هم نمایشنامه‌های «شیطان و خدا» سارتر و کالیگولای کامو را ترجمه می کرد و از طرفی نژاد و تاریخ کلود لوی استروس و رمان ها و داستان‌های گزیده ادبیات معاصر فرانسه. نوری در ادامه گفت: به هر صورت من به همین دلیل که البته برای من دلیل کمی هم نیست، ایشان را استاد خودم می‌دانم.نوری ادامه داد: من اعتقاد دارم بسیاری از مترجمان ما هم مدیون زحمات ایشان هستند که بیش از ۵۰ سال است در این راه تلاش و کوشش کردند و بی‌شک یکی از بزرگ‌ترین چهره‌هایی هستند که اگر به کارنامه و خط سیر ایشان دقت کنیم می‌بینیم در تمام این نیم‌قرن همیشه بی‌حاشیه و بدون جوسازی و جنجال کار خودشان را انجام دادند.

اکران سه فیلم از یک کارگردان در یکسال و شکست تجاری هر سه فیلم!

وقتی «مردم» از چرخه سینما حذف می شوند!

همدلی- اکران سه فیلم در یکسال از یک کارگردان و شکست هرسه فیلم و ادامه پرکاری کارگردان، نشان دهنده چرخه معیوبی است که تنها در سینمای ایران می‌توان آن را ردگیری و مشاهده کرد. تولید فله‌ای آثاری که بی‌هیچ نگاهی به مخاطب ساخته می‌شوند و در صورت عدم برخورداری از حداقل کیفیت فنی هم، باعث کم‌کار شدن سازنده‌شان نمی‌شوند. مهم «ساخته شدن» فیلم است نه «دیده شدن»شد!چرخه اکران فیلم در سینمای ایران آن قدر مشکل دارد که دیگر شنیدن هرگونه خبری در ارتباط با وقوع اتفاقاتی عجیب و غریب در این چرخه باعث تعجب نمی‌شود. حتی وقتی می‌بینیم که دو فیلم به طور همزمان از یک کارگردان اکران می‌شوند، آن هم در شرایطی که بسیاری از آثار سینمایی حاضر در جشنواره فجر سال گذشته همچنان در صف طولانی و تمام نشدنی اکران متوقف شده‌اند.این روزها جدول فیلم‌های در حال اکران سینماهای کشور، با دو فیلم سینمایی «بیداری» و «سایه روشن» که هر دو از ساخته‌های فرزاد موتمن هستند، پُر شده است. آثاری که یکی در سال ۱۳۸۸ ساخته شد و حالا بعد از هفت سال راهی سینماها شده است و مورد دوم هم در سال ۱۳۹۲ ساخته شد ولی این روزها بعد از وقفه‌ای دو ساله در سینماهای گروه هنر و تجربه به نمایش درآمده است.با این وجود یعنی در سال ۹۴ در رکوردی بی‌سابقه سه فیلم از یک کارگردان در سینماها به نمایش درآمده است(«خداحافظی طولانی» را هم به دو فیلم فوق اضافه کنید) و این طبعا نشان دهنده وضعیتی در چرخه تولید و نمایش فیلم است که تنها در سینمای ایران قابل مشاهده و بررسی است.سوالی که در ابتدای امر پس از اکران فیلم «بیداری» آنهم پس از هفت سال ایجاد می‌شود این است؛ چرا این فیلم به مدت هفت سال به بایگانی رفت و سازندگانش هیچ رغبتی برای اکران آن نداشتند و حالا در بدترین شرایط و بی‌سروصدا روی پرده رفته است؟برای آنها که تجربه تماشای بیداری را در همان سال در جشنواره فیلم فجر دارند پاسخ واضح است؛ فیلم آنقدر از مشکلات عدیده ساختاری رنج می‌برد و با چنان واکنشی از سوی منتقدان روبه‌رو گشت که طبعا هیچ رغبتی برای اکران آن در سازندگانش- که بودجه ساخت را هم از نهادی دولتی گرفته بودند و دغدغه فروش نداشتند- باقی نماند و «بیداری» به بایگانی رفت. اما با وجود این تجربه شکست‌خورده و بنا به مناسبات غلط ساخت فیلم در ایران، موتمن سراغ ساخت فیلم بعدی‌ش «سایه روشن» رفت و عجیب آنکه همین فیلم هم دوسال فرصت اکران نیافت تا این روزها در گروه «هنر و تجربه» فرصت نمایش بیابد.نکته مهم و تامل‌برانگیز اما این است که با وجود دو فیلم اکران نشده و شکست‌خورده، کارگردان آن فیلم‌ها فیلم بعدی خود «خداحافظی طولانی» را ساخت و با وجود اقبال نسبی در جشنواره فجر سال گذشته، بازهم در اکران شکست خورد و به فروشی حداقلی دست یافت.پس از این شکست بازهم اما کارگردان محترم پروژه بعدی خود را کلید زد و امسال با فیلم «آخرین بار کی سحر رو دیدی؟» در جشنواره فجر حضور دارد. این مسئله البته مسئله موتمن یا هر شخص دیگری نیست. اکران سه فیلم در یکسال از یک کارگردان و شکست هرسه فیلم و ادامه پرکاری کارگردان، نشاندهنده چرخه‌ی معیوبی است که تنها در سینمای ایران می‌توان آن را ردگیری و مشاهده کرد. تولید فله‌ای آثاری که بی‌هیچ نگاهی به مخاطب ساخته می‌شوند و در صورت عدم برخورداری از حداقل کیفیت فنی هم، باعث کم‌کار شدن سازنده‌شان نمی‌شوند. مهم «ساخته شدن» فیلم است نه «دیده شدن»ش!

علی نصیریان: جوانان بدانند با عشق و پشتکار ماندگار می‌شوند

علی نصیریان که این روزها در نقش بزرگ آقای مجموعه «شهرزاد» خوش درخشیده، معتقد است جوانان امروز بیشتر از تلاش برای آموزش هنر، دنبال شهرت هستند. علی نصیریان پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون به مهر گفت: هم‌نسلان من اگر نامشان ماندگار شده تنها به خاطر این نیست که زمان ما تعداد هنرمندان نسبت به امروز کمتر بود بلکه آنچه آنها را هنرمند کرد عشق و علاقه و پشتکارشان به هنر و حرفه شان بود. وی افزود: تنها توصیه ای که به جوانان امروز دارم این است که پشتکار داشته باشند و راحت و سطحی از کنار هر چیز عبور نکنند. در عرصه هنر دختران و پسرانی می بینم که اغلب به فکر ستاره شدن هستند و دوست دارند زودتر به جایگاه های بالاتری برسند اما نمی دانند اولین چیزی که انسان را ماندگار می کند عشق و علاقه است.

این هنرمند پیشکسوت که نقش های ماندگار بسیاری بازی کرده است درباره ادامه فعالیت هایش در مدیوم‌های مختلف چون سینما، تلویزیون، تئاتر گفت: برای من مردم از رسانه مهمتر هستند. سینما و تلویزیون تفاوتی ندارد هر سناریو و نقشی که قابلیت داشته باشد و از مردم حرف بزند برایم محترم است. نمی دانم بعد از این چقدر توان دارم و چه نقش هایی به من پیشنهاد می شود اما هیچ وقت مردم از یادم نخواهند رفت. نصیریان درباره نقش خود در مجموعه «شهرزاد» اشاره کرد: اگرچه سن و سال من از آن زمان دور نیست ولی با فضایی که این سریال دارد من در کودکی ام برخورد نداشته ام و از دور فقط می‌دانستم این ها وجود دارند. کار بازیگر هم این است بتواند نقش هایی بازی کند که ممکن است هیچ وقت تجربه شان را نداشته باشد.

لنز

مهتاب کرامتی:

به دنبال نوآوری هستیم

مهتاب کرامتی مشاور هنری دبیر سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر گفت: برخلاف آنچه برخی رسانه ها و افراد بیان می کنند من معتقدم که مشاور هنری دبیر جشنواره سمتی تشریفاتی نیست و ما باید به این امر قائل باشیم که هر نوآوری می تواند باعث ایجاد حرکات مثبت در سینما گردد.این بازیگر سینمای ایران در گفتگو با سینماپرس افزود: متأسفانه پیش داوری همیشه یکی از آفت های اصلی است که ما با آن دست به گریبان هستیم؛ به عنوان نمونه زمانی که من به عنوان سفیر حسن نیت یونیسف منصوب شدم همه فکر می کردند این سمتی تشریفاتی است اما بعدها و با عملکرد مثبت من متوجه شدند می توان در عرصه های مختلف حضوری جدی داشت و کارهای فرهنگی مثبت انجام داد.وی ادامه داد: من جزو آن دسته افرادی هستم که همیشه آستین همت بالا می زنم و زمانی که یک مسئولیت را قبول می کنم تمامی تلاش خود را به کار می برم تا برای ایجاد یک فضای مثبت و حرکت رو به رشد حضوری فعال و جدی داشته باشم. به همین دلیل هم از زمانی که پست مشاور هنری دبیر این دوره از جشنواره را پذیرفتم شبانه روز ذهن خود را متمرکز کردم تا جشنواره ای باشکوه را همراه با سایر دست اندرکاران سینما برگزار کنیم که لایق سینمای ایران باشد.کرامتی سپس در پاسخ به این سؤال که امسال در جشنواره فیلم فجر شاهد کدام تغییرات خواهیم بود که بتواند عایدی مثبت برای سینما در پی داشته باشد اظهار داشت: قطعاً قرار نیست در این دوره از جشنواره شاهد اتفاقات چندان متفاوتی باشیم؛ چرا که ما نمی توانیم خارج از اصولی که برای برگزاری جشنواره فیلم فجر تعریف شده حرکت کنیم و در همان چارچوب های قدیمی ماندگار هستیم اما در نوع و شیوه برگزاری شاهد تغییراتی هستیم.وی افزود: ما امسال بیش از همه چیز سعی داریم تا نظم و انضباط را در فضای جشنواره حاکم کنیم و من این را با اطمینان می گویم که امسال شاهد جشنواره ای آرام خواهیم بود؛ احترام به هنرمندان و اهالی رسانه به عنوان بدنه اصلی سینمای ایران وظیفه اصلی ماست و می خواهیم ایام جشنواره را برای آن ها به ایامی لذت بخش تبدیل کنیم.

سردبیر نشریه طنز «خط خطی»:

انجمن صنفی کاریکاتور باید مستقل باشد

سردبیر نشریه طنز «خط خطی» معتقد است، برخی انتظار دارند مجموعه‌های دولتی برای تشکیل انجمن صنفی کاریکاتور پیش‌قدم شوند که این تفکر کاملا غلط است. انجمن اگر هم تشکیل شود، باید بتواند استقلال خود را حفظ کند.امین مویدی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره دلیل تشکیل نشدن انجمن صنفی کاریکاتور در طول سال‌های گذشته، اظهار کرد: چندبار تشکیل انجمن صنفی تا مراحل نهایی پیش رفت، اما متأسفانه به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم. افراد مختلفی هم روی این موضوع کار کرده‌اند، اما به دلایل مختلف این فعالیت‌ها به تشکیل انجمن منجر نشده است.او افزود: شاید یکی از دلایل این اتفاق را بتوان تنبلی و سهل‌انگاری دانست. کسی که بتواند پای این موضوع بایستد و متحمل زحمت شود تا انجمن راه بیفتد تا امروز پا پیش نگذاشته است. متأسفانه در مملکت ما، بخصوص در میان هنرمندان کاریکاتوریست، کار گروهی و تیمی درست تعریف نشده است. در سال‌های گذشته، هماهنگ کردن کار تیمی و هماهنگی برای راه‌اندازی انجمن صنفی همواره با مشکلاتی مواجه شده است.مویدی همچنین بیان کرد: جمع کردن کسانی که بتوانند در پیش‌برد کارهای تشکیل انجمن موثر باشند، کار سختی است. از طرف دیگر هنرمندان معمولا با مشکلات و شرایط اقتصادی خود درگیرند و این مشغله‌ها دور هم جمع کردن آن‌ها را با دشواری مواجه کرده است.سردبیر نشریه «خط خطی» در بخش دیگری از سخنانش درباره‌ی نظرات مختلف افراد درباره‌ی تشکیل انجمن صنفی، گفت: شاید اهمیت این قضیه و فایده‌هایی که می‌تواند برای جامعه کاریکاتور ایران داشته باشد، هنوز آن‌طور که باید و شاید درک نشده است و برخی فکر می‌کنند تشکیل این انجمن آن‌قدر مهم نیست که برایش وقت و انرژی بگذارند. عده‌ای دیگر هم معتقدند کار صنفی به نتیجه نمی‌رسد و برای همین اقدام نمی‌کنند یا معتقدند در انجمن قدر آن‌ها دانسته نمی‌شود و منافع شخصی در آنجا مورد نظر دیگران است، برای همین پا پیش نمی‌گذارند.

اولین شماره فصلنامه راهبرد ارتباطات منتشر شد

اولین شماره فصلنامه «راهبرد ارتباطات» با مدیرمسئولی و سردبیری آرش محبی و آثار و گفتگوهایی از دکتر رسول بابایی، دکتر رها خرازی آذر، آلکس مارلند، کن کاسگروف، پرویز امینی و ...منتشر شد. این شماره فصلنامه راهبرد ارتباطات به «برندسیاسی» پرداخته و پیام محوری بخش‌های متنوع مجله این است که برند سیاسی چیست و چگونه باید از آن به عنوان یک راهبرد برای ارتباطات و کنش‌های احزاب و شخصیت‌های سیاسی استفاده کرد.